

بررسی مقارنه ای مفهوم ضرر و ضرار از دیدگاه شیخ الشریعه، امام خمینی(ره) و آیت الله سیستانی

قاسم شفیعی^۱، محسن شفیعی^۲، مهدی مهدوی پناه^۳

^۱ استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار

^۳ استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

چکیده

فهم صحیح از واژگان مطرح شده در آیات و روایات باعث سرعت بخشی در فرایند استنباط حکم شرعی شده و جلوگیری از رخداد اشتباه در فرایند نتیجه گیری از یک متن را برای مستنبط حکم و سایر خوانندگان با خود به همراه می آورد. با توجه به این مطلب و دخل عظیم آن در فرایند استنباط بر آن شدیم تا معنای واژگان ضرر و ضرار را در حدیث مشهور مورد مذاقه قرا دهیم. برخی از فقیهان ضرر را مشترک لفظی دانسته و برخی دیگر کوشیده اند تا آن را مشترک معنوی جلوه دهند و در این زمینه به اصول لفظیه ای رجوع کرده اند که صحیح به نظر نمی آید. لذا ضرر مشترک لفظی است گرچه جامعی انتزاعی نیز برای آن قابل تصور است. در مورد کلمه ضرار باید گفت برخی آن را به معنای حرج و در تنگنا قرار دادن دانسته و برخی دیگر آنرا به معنای مجازات بر ضرر می دانند. که با توجه به موارد کاربرد هر دو معنا صحیح به نظر می رسد. این مقاله با رویکردی تحلیلی انتقادی دیدگاه های مطروحه از جانب اعلام مذکور را مورد بررسی قرار داده و در پایان به داوری بین نظریات آنان پرداخته است. گرچه در بیان نظریه منتخب خویش به آراء این بزرگان بسنده نکرده است.

واژه های کلیدی: ضرر، ضرار، ضرّ، شیخ الشریعه، امام خمینی، آیت الله سیستانی

مقدمه

گرچه در مورد حدیث لاضرر کتب فراوانی نوشته شده است از جمله این کتب و رسائل و مقالات، سه کتاب لاضرر شیخ الشریعه، امام خمینی و آیت الله سیستانی است. که جامع بین اقوال متقدمین و متاخرین به نظر می آید لذا این کتب به عنوان منبع اصلی مورد نقد و نظر واقع شده اند. اما نکته اصلی این پژوهش نگاه عمیق به واژه شناسی و نظریات مطروحه در مورد این واژگان است و توانسته است راهی نوین در تفسیر این لغات بیان دارد.

در این مقاله با روشی تطبیقی، تحلیلی و انتقادی، ابتدا رویکرد و مستندات اعلام ثلاثه و فروض مختلف موضوع، و وجوه اختلاف اعلام ثلاثه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سپس در ادامه وجوه اشتراک آنان نیز در بوته نقد و نظر قرا می گیرد در پایان با توجه به اصول لغوی و نیز اصول مطروحه در کتب اصول الفقه به داوری بین اقوال پرداخته می شود. در نهایت ضمن تشریح دیدگاه نویسندگان، به جمع بندی و نتیجه گیری از مطالب پرداخته خواهد شد.

۱-۱. وجوه افتراق

۱-۱-۱. نظر شیخ الشریعه اصفهانی

کتب و رسائل^۱ ایشان بررسی گردید. لکن ایشان در هیچ یک از کتب و رسائل خود به توضیح و تفسیر معنای لغوی ضرر نپرداخته اند. فقط در رساله «لا ضرر» خود کلمات لغویین را نقل نموده می فرمایند:

«ابن اثیر در نهائیه می گوید: قول پیامبر (ص) که فرموده اند: «لا ضرر» یعنی مرد به برادرش ضرر نمی رساند تا چیزی از حقش را ناقص و کم کند و «ضرار» فعال از ضرر است. یعنی این که برادرش را به خاطر اضرارش با وارد کردن ضرر به او مجازات و کیفر نمی کند.^۲

و در لسان العرب - که کتاب جلیلی است در لغت و ۲۰ جلد است - معنای قول پیامبر ۹ «لا ضرر» یعنی مرد به برادرش ضرر نمی رساند و ضرر ضد نفع است و قول پیامبر ۹ «لا ضرار» یعنی هر کدام به دیگری ضرر نمی رساند.^۳

و در الدر المنثور آمده است: «لا ضرر» یعنی مرد به برادرش ضرر نمی رساند تا چیزی از حقش را ناقص و کم کند و «لا ضرار» یعنی برادرش را به خاطر اضرارش با وارد کردن ضرر بر او مجازات و کیفر نمی کند.^۴ و در تاج العروس^۵ و مجمع

- اصفهانی، شیخ الشریعه، فتح الله بن محمد جواد نمازی، «قاعدة لا ضرر» و «نخبة الأزهار في احكام الخيار» و «رسالة في تحقيق معني البیع» و «رسالة في تحديد الكر بالوزن» و «اضافة القدير في احكام العصير» و «احكام ملاقي الشبهات المحصورة» و «صيانة الإبانة» و «احكام الصلاة»

- الضّر: ضدّ النفع،... فمعني قوله لا ضرر: أي لا يَضُرُّ الرَّجُلُ أَخَاهُ فَيَنْقُصُهُ شَيْئاً مِنْ حَقِّهِ وَ الضَّرَارُ: فعال من الضَّرَّ: أي لا يجازيه عليّ جزري، ابن اثير، مبارك بن محمد، «النهائية في غريب الحديث و الأثر»، ج ۳، إضراره باندخال الضّرر عليه

- «فمعني قوله لا ضرر أي لا يَضُرُّ الرجل أخاه، و هو ضد النفع، و قوله: و لا ضرار أي لا يُضَارُّ كل واحد منهما صاحبه»؛ ابن منظور،^۲ ابو الفضل جمال الدين، محمد بن مكرم، «لسان العرب»، ج ۴، ص ۴۸۲.

- «الدر المنثور في تفسير المأثور»، جلال الدين سيوطي بررسی گردید در هیچ يك از ۶ جلد این گفتار یافت نشد.^۴

ظاهراً مراد شیخ الشریعه کتاب «الدر النثیر تلخیص نهائیه ابن اثیر» متعلق به جلال الدین سیوطی، ج ۳، ص ۱۷ است.

البحرین همین مطالب عیناً وارد شده است.^۷

همان طور که مشهود است ایشان پس از ذکر کلمات لغویین به جرح و تعدیل آنها نمی‌پردازند. لذا از عدم جرح و تعدیل کلمات لغویین و نیز عدم اهتمام ایشان نسبت به تشریح و توضیح کلمات ضرر و ضرار می‌توان این طور نتیجه گرفت که ایشان کلمات لغویین را در این باب پذیرفته‌اند.

لذا می‌توان به ایشان امور ذیل را نسبت داد:

۱- ضرر را به معنای نقص دانسته، قائل به معنای دیگر ضرر (ضیق و سوء الحال، مکروه) نیستند. ضرر را شامل عدم النفع ندانسته و قائل به عدم صدق ضرر نسبت به هتک حرمت و آبرو هستند.

۲- در باب «ضرار» قائل به این هستند که به معنای:

الف - ضرر متقابل

ب- تلافی کردن و مجازات بر ضرر

آمده است.

۱-۲. دیدگاه امام خمینی:

ایشان در باب معنای واژه ضرر قائل به دو معنای عرفی و لغوی برای «ضرر» شده‌اند و در باب معنای عرفی ضرر می‌فرمایند:

«معنای «ضرر» در عرف معروف و شناخته شده است، و شاید معنای عرفی «ضرر» همان نقص در اموال و أنفس باشد همان طوری که واژه «نفع» که در مقابل واژه «ضرر» است این چنین می‌باشد.»^۸

و در باب معنای لغوی ضرر می‌فرمایند:

«برای «ضرر» در لغت معانی متعددی آمده است که عبارتند از:

ضیق و تنگنا

شدت

سوء الحال

امر مکروه و ناپسند»^۹

سپس برای اثبات ادعای خویش کلمات لغویین را مطرح نموده می‌فرمایند:

- الحديث: «لا ضرر و لا ضرار» أي لا يَضُرُّ الرَّجُلُ أَخَاهُ فَيَنْقُصَهُ شَيْئاً مِنْ حَقِّهِ و لا يجازيه علي اضرار به بادل الضَّرَرِ عليه؛ واسطی، زبیدی، محب الدین، «تاج العروس من جواهر القاموس»، ج ۷، ص ۱۲۲.

- «أي لا يضرر الرجل أخاه فينقصه شيئاً من حقه، و الضرر فعال من الضر أي لا يجازيه علي اضرار به بادل الضَّرَرِ عليه؛ طریحی، فخرالدین، «مجمع البحرین»، ج ۳، ص ۳۷۳.

- اصفهانی، شیخ الشریعة، فتح الله بن محمدجواد نمازی، «قاعدة لا ضرر»، ص ۲۷.

- الموسوي الخميني، سيد روح الله، «القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد (الرسائل)»، ج ۱، ص ۲۸.

- الموسوي الخميني، سيد روح الله، «بداية الدرر في قاعدة نفي الضرر»، ص ۶۱.

«جوهری در صحاح می‌گوید: «مکانٌ ذو ضررٍ؛ أي ضیقٍ»^{۱۲} در ادامه می‌فرمایند: «ضرر در این استعمالات به معنای ضیق است.»^{۱۳}

و برای اثبات معنای شدت و سوء الحال کلامی از المنجد را بیان می‌فرمایند: «و فی المنجد: الضَّرَّ و الضَّرَّ و الضرر ضدَّ النفع، الشدَّة و الضیق و سوء الحال.»^{۱۴}

در ادامه می‌فرمایند: «شاید کلمه «ضراء» که در مقابل «سراء» است و به معنای شدت و قحطی است از اینجا مشتق شده باشد.»^{۱۵}

و برای اثبات معنای کراهت استناد به کلامی از مصباح المنیر نموده می‌فرمایند: ««ضرر» به معنای فعل ناپسند و مکروه است و «ضره» یعنی کار ناپسندی نسبت به او انجام داد.»^{۱۶}

امام خمینی پس از این که معنای عرفی و لغوی ضرر را برمی‌شمرند نکته ای را متذکر شده، می‌فرمایند:

«استعمال کلمه «ضرر» در معنای هتک حرمت و نقصان آبرو در عرف و لغت معهود نمی‌باشد.»^{۱۷}

ایشان با این بیان خود می‌خواهند سخن بزرگانی چون آخوند خراسانی،^{۱۸} محقق نائینی^{۱۹} و محمدحسین اصفهانی^{۲۰} را نقض کنند؛ زیرا این بزرگان قائل به این هستند که ضرر در معنای هتک حرمت نیز به کار می‌رود.

اما در باب معنای ضار قائلند که، این واژه هرگز به معنای مفاعله (ضرر متقابل) و نیز به معنای مجازات بر ضرر نیامده

- جوهری، اسماعیل بن حماد، «**الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)**»، ج ۲، ص ۷۲۰ ماده «ضرر»؛ نکته‌ای که باید توضیح داده شود این است که در صحاح عبارت: مکان ذو ضرر است نه ذو ضرر.

- الموسوي الخميني، سيد روح الله، **بداية الدرر**، ص ۹۲.

- «همان مدرک».

- اليسوعي، فردينال توتل، «**المنجد في اللغة و الاعلام**»، ص ۴۴۷، ماده ضرر؛ الفيومي، احمد بن محمد، «**المصباح المنير**»، ج ۲، ص ۴۲۵ ماده ضرر.

- الموسوي الخميني، سيد روح الله، «**بداية الدرر في قاعدة نفى الضرر**»، ص ۹۲.

- الفيومي، احمد بن محمد، «**المصباح المنير**»، ج ۲، ص ۴۲۵.

- الموسوي الخميني، سيد روح الله، «**بداية الدرر في قاعدة نفى الضرر**»، ص ۹۲.

- الموسوي الخميني، سيد روح الله، «**تهذيب الأصول**»، ج ۳، ص ۹۳؛ «**بداية الدرر في قاعدة نفى الضرر**»، ص ۹۲.

- «فالظاهر أن الضرر هو ما يقابل النفع من النقص في النفس أو الطرف أو العرض أو المال»؛ خراساني، محمدکاظم، «**كفاية الأصول**»، ج ۳، ص ۱۶۰.

- «المتحصل من مجموع هذه الكلمات و من موارد الاستعمال: أن الضرر عبارة عن فوت ما يجده الإنسان من نفسه و عرضه و ماله و جوارحه»؛ نائینی، محمدحسین، «**منية الطالب في شرح المكاسب**»، ج ۳، ص ۳۷۸.

- «فواضح اذ ليس الضرر المفسر بالنقص في النفس أو المال أو العرض امراً وجودياً»؛ اصفهانی، محمدحسین، «**نهاية الدراية في شرح الكفاية**»، ج ۲، ص ۷۴۵.

است. ^{۱۰} برای اثبات حرفشان به دو دلیل استناد می‌کنند:

۱- کثیری از متبحرین اهل لغت تصریح کرده‌اند که «ضرار» به معنای ضرر است. ^{۲۳}

۲- در قرآن کریم «ضرار» و مشتقات آن در ۶ مورد به کار رفته است ^{۲۴} با دقت در تمامی موارد می‌توانیم بفهمیم که به معنای اضرار (یعنی ضرر مالی و نفسی) می‌باشند. ^{۲۵}

و لکن در ادامه از این مطلب نیز عدول فرموده بیان می‌دارند که:

«ظاهر این است که غالب استعمال این باب در قرآن کریم به این معناست (تضییق، ایصال الحرج و المکروه) نه به

معنای ضرر مالی و نفسی.» ^{۲۶}

ایشان با استفاده از احادیث و کلمات لغویین تمامی تلاش خویش را می‌کنند تا آیات را به همین معنا حمل کنند و

موفق می‌شوند ۵ آیه را به همین معنا حمل کنند و لکن در باب آیه وصیت می‌فرمایند:

«ظاهر این است که «مضار» در آیه وصیت به معنای اضرار مالی به ورثه می‌باشد.» ^{۲۷}

امام خمینی؛ کلمات لغویینی که «ضرار» را به معنای مجازات و باب مفاعله گرفته‌اند به این صورت توجیه می‌کند که:

«بعد از تأمل در کلامات لغویین اطمینان حاصل می‌شود معنایی را که لغویین ذکر کرده‌اند به خاطر قاعده باب مفاعله

بوده است و این که «ضرار» فعال از «ضرر» است و فعل الإثنین می‌باشد و نیز به نظر می‌رسد این اثر این معنا را به خاطر ارتکاز

ذهنی‌اش از باب مفاعله بیان نموده است و بقیه روش او را پیموده‌اند.» ^{۲۸}

در ادامه برای تأیید سخنانشان کلمات سیوطی، زبیدی و طریحی را نقل نموده می‌فرمایند:

«همان طور که می‌بینید سیوطی ^{۲۹} و صاحب تاج العروس ^{۳۰} بعضی از عبارات ابن اثیر ^{۳۱} را عیناً نقل کرده‌اند ولی

- «و أما الضرار و سائر تصاریفه من بابیه فلم اجد بعد الفحص مورداً استعمل بمعنی باب المفاعلة أو المجازاة علی الضرر»؛ الموسوي

الخميني، سيد روح الله، «القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد» (الرسائل)، ج ۱، ص ۲۰.

- الفيومي، احمد بن محمد، «المصباح المنير»، ج ۲، ص ۴۲۵؛ واسطي، زبيدي، محب الدين، «تاج العروس من جواهر القاموس»، ج ۲۳، ص ۳۴۸؛ طريحي، فخرالدين، «مجمع البحرين»، ج ۳، ص ۳۷۳، مادة «ضرر»؛ ابن منظور، محمد بن مكرم، «لسان العرب»، ج ۸، ص ۴۵.

- الموسوي الخميني، سيد روح الله، «بدائع الدرر في قاعدة نفی الضرر»، ص ۲۶۵.

- سورة بقره: ۲، آیه ۲۳۱، سورة بقره، ۲، آیه ۲۳۳، سورة طلاق: ۶۵، آیه ۶، سورة توبه: ۹، آیه ۱۰۷، سورة نساء: ۴، آیه ۱۲، سورة بقره، ۲، آیه ۲۸۱.

- الموسوي الخميني، سيد روح الله، «تهذيب الأصول»، ج ۳، ص ۲۹۳.

- الموسوي الخميني، سيد روح الله، «القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد» (الرسائل)، ج ۱، ص ۲۰.

- الموسوي الخميني، سيد روح الله، «بدائع الدرر في قاعدة نفی الضرر»، ص ۲۹.

- همان مدرک، ص ۲۷۱.

- (لا ضرار) أي لا يضر الرجل أخاه، فينقصه شيئاً من حقه، و (لا ضرار) أي لا يُجازيه علي إضراره بإدخال الضرر عليه؛ سيوطي، جلال الدين عبدالرحمن بن ابی بکر، «الدر الثمين»، ج ۳، ص ۱۷.

طریحی^{۳۳} تعین الفاظ بدون زیاده و نقصان آورده است.

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که ایشان در باب معنای ضرر و ضرار قائل به نکات ذیل هستند:

- ۱- ضَرّ، ضرر، اضرار به معنای نقص در مال و جان می‌باشد.
 - ۲- استعمال کلمه ضرر در معنای هتک حرمت و نقصان در آبرو عرفاً و لغۀ معهود نیست.
 - ۳- ضرار و مشتقاتش (باب مفاعله) به معنای ضیق، تشدید، ایصال الحرج و المکروه می‌باشد.
 - ۴- ضرار در حدیث به معنای «ضرر» نیست تا تکرار بارد باشد و نیز به معنای اصرار بر ضرر یا مباشرت بر ضرر، یا مجازات بر ضرر نبوده و در معنای آن بین الإثنین بودن شرط نمی‌باشد.^{۳۴}
- با توجه به مطالب فوق ایشان نظریه شیخ الشریعه را که در باب ضرار قائل به ضرر متقابل و تلافی کردن و مجازات بر ضرر بودند را ردّ می‌کنند.

۱-۳. دیدگاه آیت الله سیستانی

آیت الله سیستانی بحث در مورد «ضرر» و «ضرار» را در ۲ باب مطرح نموده‌اند:

۱- ماده «ض ر ر»

۲- هیئت افرادی «ضرر» و «ضرار»

باب اول: ابتکار آیت سیستانی در این مورد به چشم می‌خورد زیرا شیخ الشریعه اساساً در باب معنای لغوی «ضرر» و «ضرار» وارد بحث نشده و فقط کلمات لغویین را مطرح نموده است.^{۳۵} امام خمینی که وارد بحث شده‌اند تفاوتی میان ماده «ض ر ر» و هیئت افرادی آن قائل نشده‌اند.^{۳۶}

آیت الله سیستانی در باب معنای ماده «ض ر ر» می‌فرمایند:

«علمای لغت برای ماده «ض ر ر» معانی زیادی گفته‌اند از جمله: نقص، ضیق، بدحالی، زمین‌گیری، کوری، بیماری،

- «لا ضرر و لا ضرار» أي لا يَضُرُّ الرَّجُلُ أخاه فينقصه شيئاً من حقّه و لا يجازيه علي اضرار به بادخال الضرر عليه واسطي، زبيدي؛ محب الدين، «تاج العروس من جواهر القاموس»، ج ۷، ص ۱۲۲.

- فمعني قوله لا ضرر: أي لا يَضُرُّ الرجل أخاه فينقصه شيئاً من حقّه و الضرار: فعال من الضَرَّ: أي لا يجازيه علي اضرار به بادخال الضَّرَر جزي، ابن اثير، مبارك بن محمد، «النهاية في غريب الحديث و الأثر»، ج ۳، ص ۸۱.

- «أي لا يَضُرُّ الرجل أخاه فينقصه شيئاً من حقّه، الضرار فعال من الضر اي لا يجازيه علي اضرار به بادخال الضرر عليه.» طریحی^{۳۴} فخرالدین، «مجمع البحرين»، ج ۳، ص ۳۷۳.

- الموسوي الخميني، سيد روح الله، «بدایع الدرر فی قاعده نفی الضرر»، ص ۷۲.

- «همان مدرک»، ص ۴۰.

- اصفهانی، شیخ الشریعه، فتح الله بن محمدجواد نمازی، «قاعده لا ضرر»، ص ۴۷.

- الموسوي الخميني، سيد روح الله، «القواعد الفقهية، الإجتهااد و التقليد»، ج ۱، ص ۴۸.

لاغری، نیاز، قحطی، اذیت، مرض و غیره»^{۳۷}

لکن کلام لغویین را نپذیرفته و می‌فرمایند:

«بدون تردید همه این معانی مال این ماده نیست بلکه این ماده یک، یا دو یا سه معنا دارد و بقیه آنها معنای این ماده نیستند»^{۳۸}

ایشان برای اثبات سخن خویش معانی کلمه را به دو بخش معانی خاص و معانی عام تقسیم کرده و سه معنای نقص، ضیق و بدحالی را جزء معانی عامه دانسته و بقیه معانی را داخل در معانی خاصه می‌داند و بیان می‌دارند که:

«دسته معانی خاص مسلماً از معانی این ماده نیستند»^{۳۹}

ایشان دلیل خود را برای این که معانی خاص جزء معانی ماده نیستند این گونه بیان می‌دارند که:

اولاً: «مفهومی که از ماده به جهت طبیعت معنایش برداشت می‌شود مفهومی عام است که هیچ یک از این خصوصیات داخل در آن نیست»^{۴۰}

ثانیاً: «مفهوم ضرر و مشتقاتش هیچ وقت مرادف عمی، مرض و... نیست بلکه اینها مصادیق معنای ضرر هستند»^{۴۱}

اما در مورد اینکه چرا لغویین این معانی را جزو معانی ضرر ذکر کرده‌اند بیان می‌دارند که:

«به دو علت این معانی را اهل لغت جزو معانی ضرر ذکر کرده‌اند:

۱- از باب اشتباه مفهوم با مصداق یعنی معنای وضعی را با معنای استعمالی اشتباه کرده‌اند.

۲- از باب موارد استعمال این کلمه؛ چه معنای کلمه باشد چه مصداق آن زیرا مصداق به فهم معنای کلمه کمک می‌کند»^{۴۲}

اما در باب معانی عامه ایشان قائل به اشتراک معنوی شده و کلمات لغویین^{۴۳} را که قائل به اشتراک لفظی هستند مردود شمرده و برای اثبات نظر خویش این گونه استدلال می‌کنند که:

«بررسی موارد استعمال این ماده و مشتقات آن نشان می‌دهد که ماده ضرر فقط در یک معنا به کار رفته است که با اختلاف موارد فرق نمی‌کند»^{۴۴}

- سیستانی، سید علی حسینی، «قاعده لا ضرر و لا ضرار»، ص ۲۱۰.

- «همان مدرک»، ص ۲۱۰.

- «همان مدرک»؛

- «همان مدرک»؛

- «همان مدرک»؛

- «همان مدرک»؛

- فراهیدی، خلیل بن احمد، «العين»، ج ۷، ص ۵؛ جوهری، اسماعیل بن حماد، «الصاحح - تاج اللغة و صحاح العربیة»، ج ۲، ص ۳.

۷۱۰؛ ابن فارس، احمد، «معجم مقانیس اللغة»، ج ۳، ص ۳۶۰.

- سیستانی، سید علی، «قاعده لا ضرر و لا ضرار»، ص ۱۱۱.

اما در باب این که آن معنای جامع چیست؟ ایشان معنای نقص را معنای جامع برای ضرر دانسته و دلیل آن را این طور توضیح می‌دهند که:

اولاً: «با توسعه تدریجی دایره مفهوم لفظ از امور محسوسه به غیر محسوسه سازگارتر است.»^{۴۵}

ایشان در باب توسعه تدریجی مفهوم الفاظ از امور محسوسه به غیر محسوسه بیان می‌دارند که:

«اصول لغت، معانی محسوسه هستند سپس با دگرگونی‌هایی که رخ می‌دهد الفاظ با معانی غیر محسوسه مرتبط می‌شوند خواه این معانی اصیل باشند یا اعتباری و به همین خاطر ما در بحث‌های اصولی خود گفته‌ایم که اعتبارات قانونی مانند ملکیت و زوجیت از لحاظ پیدایش در زمان بعد از اعتبارات ادبی مانند استعاره‌ها و مجازات قرار دارند و اعتبارات ادبی نیز از لحاظ زمانی متأخر از معانی حسی هستند بنابراین معانی حسی سرمایه اولیه لغت می‌باشند.»^{۴۶}

ثانیاً:

«این معنا با توجه به شمولی که دارد توانایی بیشتری دارد تا موارد مختلفی را که این ماده در آن به کار رفته است بدون نیاز به هیچ تأویل یا توجیهی در بر بگیرد.»^{۴۷}

ایشان دو معنای دیگر ماده یعنی بدحالی و ضیق را معنای جامع ماده ضرر دانسته و هر کدام را مستقلاً مورد بررسی قرار داده، دلایلی برای رد آنها اقامه می‌کنند. مثلاً برای رد معنای سوء الحال می‌فرمایند:

«این معنا را راغب اصفهانی در مفرداتش برگزیده است و گفته است:

ضرر به معنای بدحالی است یا در جان خود مثلاً علم و فضل و فهمش کم بوده است یا در بدنش مثلاً یا اصلاً عضوی را ندارد یا دارد و لکن ناقص است یا در حالت ظاهریش مثلاً از لحاظ مال و آبرو کم داشته باشد.»^{۴۸} لکن ایراد این گفته آن است که بدحالی یک مفهوم معنوی است بر خلاف دو معنای دیگر یعنی ضیق و نقص که امور محسوسه هستند و برای لغتی معنای معنوی محض فرض کردن مخالف طبیعت لغت است.»^{۴۹}

اما اینکه چرا راغب این معنا را برگزیده است می‌فرمایند:

«راغب تحت تأثیر مفاهیم فلسفی بوده و افکار فلسفی را نوعاً در معنا دخالت داده است همان طور که فیومی در مصباح المنیر متأثر از مفاهیم فقهی است.»^{۵۰}

و برای رد معنای ضیق به دو دلیل تمسک کرده‌اند:

۱- ضرر اکثراً در موارد نقص به کار می‌رود بدون این که مستلزم ضیق باشد.

۲- در آیه شریفه (وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ)^{۵۱} ضیق و سختی را غایت اضرار قرار داده است و در صورتی که

- «همان مدرک»؛

- «همان مدرک»؛

- «همان مدرک»؛

- راغب، حسین بن محمد، «مفردات الفاظ القرآن»، ص ۵۰۳؛

- سیستانی، سید علی، «قاعده لا ضرر و لا ضرار»، ص ۱۱۱؛

- «همان مدرک»، ص ۱۱۲؛

- سوره طلاق، ۶۵، آیه ۶؛

ضرر به معنای ضیق باشد انسجام معنایی به وجود نمی‌آید زیرا شیء را غایت خودش قرار دادن بی‌معناست.^{۵۲} ایشان در پایان بحث خود نظر امام خمینی؛ را که قائل بودند ضرر و مشتقات آن در ثلاثی مجرد به معنای نقص در مال و جان است^{۵۳} در باب مفاعله مانند ضرار و مضاره بر عکس به معنای اذیت و آزار و پایمال کردن حقوق شخص و او را در مشقت قرار دادن به کار می‌رود؛^{۵۴} را نپذیرفته و در ردّ نظر امام خمینی می‌فرمایند:

«ملاحظه موارد استعمال ضرر و ضرار شاهد بر باطل بودن این تفصیل است زیرا ضرر و اضرار به معنای ضیق و نقص با همدیگر به کار رفته‌اند و ضرار نیز در مورد نقص مالی یا جانی به کار می‌رود همان طوری که در مورد تضییق استعمال شده است و از مورد اول (به کار رفتن ضرر در معنای ضیق و نقص با همدیگر) قول خداوند تبارک و تعالی است که فرموده: (لَنْ يَضُرُّكُمْ إِلَّا أَذًى)^{۵۵} یعنی ضیق و نقص بر شما وارد نمی‌کنند} و نیز قول پیامبر گرامی اسلام ۹ که فرموده‌اند: «مَنْ أَضَرَ بامرأته حتى تفتدى منه نفسها لم يرض الله له بعقوبة دون النار»^{۵۶} یعنی هر کس ضیق و نقص بر همسرش وارد کند} و از مورد دوم به کار رفتن ضرار در ضرر مالی و جانی) قول خداوند تبارک و تعالی (مَنْ بَعْدَ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ)^{۵۷} و قول امام جعفر صادق ۷ در صحیحه غنوی «هذ الضرار»^{۵۸} می‌باشد.»^{۵۹}

باب دوم: در معنای هیأت افرادی ضرر و ضرار ایشان در باب ضرر قائلند به این که: «ضرر از لحاظ هیئت (صیغه) اسم

حدث است. و اسم حدث بر سه قسم است:

۱- اسم حدثی که به معنای مصدری است.

۲- اسم حدثی که به معنای اسمی است.

۳- اسم حدثی که مشترک میان معنای مصدری و معنای اسمی است.

فرق میان مصدر و اسم مصدر این است که مصدر در معنایش دارای نسبت تقییدی ناقص است اما اسم مصدر معنایش بدون نسبت است. و نسبت بین مصدر و اسم مصدر مانند نسبت بین ایجاد و وجود است یعنی در خارج یکی هستند ولی به اعتبار از هم مختلفند مثلاً اگر علم را بدون این که آن را به عالمی یا معلومی نسبت بدهیم این معنا، معنایی اسم مصدری است مانند مفعول مطلق وقتی می‌گوییم «علمتُ علماً» یعنی دانستم دانستن. ولی اگر آن را به عالم نسبت دهیم مثلاً بگوییم «علّمُ زیدٌ بكذا» دانستن زید فلان چیز را این معنای مصدر است.

- سیستانی، سید علی، «قاعدة لا ضرر ولا ضرار»، ص ۱۱۲.

- الموسوي الخميني، سید روح الله، «بدائع الدرر في قاعدة نفی الضرر»، ص ۹۱.

- الموسوي الخميني، سید روح الله، «القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد (الرسائل)»، ج ۱، ص ۳۰.

- سوره توبه ۹، آیه ۹۰۷.

- ابن بابویه، محمد بن علی، «ثواب الأعمال و عقاب الأعمال»، ص ۲۸۰. عقاب مجمع عقوبات الأعمال.

- سوره توبه، ۹، آیه ۹۰۷.

- کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، ج ۵، ص ۴۹۳.

- سیستانی، سید علی، «قاعدة لا ضرر ولا ضرار»، ص ۱۱۴.

در برخی از زبان‌ها مانند زبان فارسی میان مصدر و اسم مصدر از لحاظ لفظی نیز تفاوت وجود دارد. مثلاً در زبان فارسی آخر مصدر دال و نون یا تاء و نون است ولی اسم مصدر چنین نیست مانند رفتن (که مصدر است) و رفتار (که اسم مصدر است)

ولی در زبان عربی از لحاظ لفظ معمولاً میان مصدر و اسم مصدر تفاوت لفظی وجود ندارد گاهی یک لفظ هم به معنای مصدری به کار می‌رود و هم به معنای اسم مصدری و گاهی هر کدام لفظ مخصوص خود را دارند. ضرر همچنان که برخی از علماء لغت گفته‌اند ظاهراً اسم مصدر است چون در معنای آن نسبت تقییدی نیست.^{۶۰} اما ضرار، بر وزن فعال مصدر دیگر باب مفاعله است.^{۶۱}

ایشان در ادامه برای بیان نظریه خویش در خصوص معنای باب مفاعله بیان می‌دارند که: «دلالات‌هایی که در باب مفاعله به معنای کلمه اضافه می‌شود بر خلاف آنچه میان علمای لغت و اکثر اصولیین مشهور است همه آنها مربوط به هیأت مفاعله نیست بلکه آن معانی بر دو قسم است قسمتی از آن مربوط به هیأت باب مفاعله است و قسمتی از آن در برخی موارد مربوط به مبدأ پنهان است.

این مطلب مخصوص این باب نیست بلکه اگر در همه آنها نباشد در اکثر صیغه‌ها جاری است. زیاد اتفاق می‌افتد که یک معنا یا چند معنا در برخی موارد فهمیده می‌شود در حالی که نه مربوط به ماده آن است و نه مربوط به هیأت آن بلکه مربوط به مبدأ پنهان آن کلمه است.»^{۶۱}

ایشان معتقدند که هیأت همیشه یک معنا بیشتر ندارد و دلیل خود را وجدان لغوی معرفی کرده بیان می‌دارند که: «به موجب وجدان لغوی هیأت فقط یک معنا دارد و معانی مختلف ندارد.»^{۶۲}

ایشان در ادامه دلالت‌های متفرقه در باب مفاعله چون: کوشش و سعی کردن برای انجام کار، غلبه، فخر و مانند آن را ناشی از مبدأ پنهانی ماده فعل می‌دانند و در باب معنای اصیل و وحید هیأت مفاعله می‌فرمایند که: «آنچه از ملاحظه استعمال‌های گوناگون باب مفاعله به نظر می‌رسد این است که این هیأت به نسبتی دلالت می‌کند که آن نسبت نیز نسبتی دیگر را بالفعل یا بالقوه به دنبال خود دارد که به حسب موارد مختلف است. گاهی نسبت دوم نیز مانند نسبت اول کاری است از فاعل نسبت به همان مفعول انجام شده و گاهی یک نسبت از فاعل و نسبت دیگری از مفعول صادر می‌شود مانند مضاربه که این صورت را مشارکت تعبیر می‌کنند.

در حالت نخست که نسبت دوم نیز مانند نسبت نخست از فاعل نسبت به همان مفعول صادر شده و کاری انجام شده است تعدد تسببت‌ها یا از قبیل کم منفصل است همچنان که محقق رضی^{۶۳} در شرح شافیه فرموده است آن را مبالغه گویند و اگر متعدد بودن آن کارها روشن نبود آن را امتداد می‌نامند. همچنان که در کتاب لغت المنجد در مورد مطالعه می‌گوید که: مطالعه ادامه استطلاع (خبر گرفتن) است در حالی که در حقیقت استطلاع‌های (خبر گرفتن‌های) متعدد است گاهی آن نسبت کم متصل است در این صورت تکرار آن مانند «سافر» به افراد متوالی تجزیه می‌شود که آن را امتداد و طول نامند. در برخی از

- سیستانی، سید علی، «قاعدة لا ضرر ولا ضرار»، صص ۱۱۵-۱۱۶.

- همان مدرک، ص ۱۲۹.

- «همان مدرک»، ص ۱۳۰.

- استرآبادی، رضی الدین، «شرح شافیه ابن حاجب»، ج ۱، صص ۹۹-۹۸.

موارد این صورت مانند «تابع» (دنبال او را گرفت) و «واصل» (به آن استمرار بخشید) لازمه انجام آن کار قصد و عمد داشتن است.^{۶۴}

ایشان اشکال محقق اصفهانی^{۶۵} (کمپانی) را به خود وارد ندانسته بیان می‌دارند:

«ایرادی را که محقق اصفهانی به گفته کسانی که می‌گویند مفاعله بر اشتراک دلالت دارد وارد کرده است و گفته است ممکن نیست یک مدلول به دو نسبت دلالت کند این ایراد به گفته ما وارد نیست زیرا ما گفتیم که هیأت (صیغه) مفاعله به یک نسبت دلالت دارد ولی آن نسبت، نسبت دیگری را به دنبال خود دارد که به اختلاف موارد مختلف می‌شود و این از باب دخول تقیید و خروج قید است.»^{۶۶}

در پایان این گونه نتیجه‌گیری فرموده و بیان می‌دارند که:

«با مطالبی که در معنای هیأت مفاعله گفتیم فرق ضرر و ضرار را روشن کردیم و گفتیم که ضرر، اسم مصدر برگرفته از ثلاثی مجرد و ضرار نیز مصدری است که به نسبتی دلالت دارد که آن نسبت نیز نسبت دیگری را به دنبال خود دارد. لذا محقق رضی^{۶۷} فرموده‌اند که گاهی صیغه مفاعله مبالغه را معنا می‌دهد و گفتیم که منظور از مبالغه همان تکرار نسبت و یا استمرار نسبت است.»^{۶۸}

۱-۲. وجوه اشتراک

پس از بیان نظرات و دیدگاه اعلام ثلاثه (شیخ الشریعه، امام خمینی؛ آیت الله سیستانی) و تفحص در آراء ایشان در باب ضرر سه نقطه اشتراک را می‌توان یافت:

نکته اول: اعلام ثلاثه قائلند که یکی از معانی ضرر، نقص است گرچه در این که آیا نقص معنای وحید ضرر است یا خیر با یکدیگر اختلاف نظر دارند.

نکته دوم: اعلام ثلاثه متفقاً هتک حرمت و آبروی شخص را از مصادیق ضرر ندانسته و قول محقق نائینی^{۶۹} بخوند خراسانی^{۷۰} و محقق اصفهانی^{۷۱} در این باب نمی‌پذیرند.

نکته سوم: اعلام ثلاثه قائل به این مطلبند که ضرر با عدم النفع تفاوت داشته و در مواردی که عدم النفع است ضرر

- سیستانی، سید علی، «قاعده لا ضرر ولا ضرار»، ص ۱۳۰.

- اصفهانی، محمد حسین، «نهایة الدراية فی شرح الکفایه»، ج ۲، صص ۳۱۷-۳۱۸.

- سیستانی، سید علی، «قاعده لا ضرر ولا ضرار»، ص ۱۳۱.

- استرآبادی، رضی الدین، «شرح شافی»، ج ۱، صص ۹۸-۹۹.

- سیستانی، سید علی، «قاعده لا ضرر ولا ضرار»، ص ۱۳۲.

- نائینی، محمدحسین، «منیة الطالب فی شرح المکاسب»، ج ۳، ص ۴۷۸.

- خراسانی، محمدکاظم، «کفایة الأصول»، ج ۳، ص ۱۶۰.

- اصفهانی، محمدحسین، «نهایة الدراية فی شرح الکفایه»، ج ۲، ص ۷۴۵.

صادق نخواهد بود. لکن امام خمینی؛ کلامی در باب تعارض ضررین دارند و آن این است که ایشان فقدان منفعت معتد به را حرج می‌دانند و بازداشتن مالک از انتفاع در ملکش حرج بر اوست اما در باب «ضرار» آراء آنان به شدت با یکدیگر متفاوت بوده و نکتهٔ وحید اجماعی آنان این است که «ضرار» به معنای ضرر و در حدیث تکرار باردار نیست.

۱-۳. نظریه مختار

در باب معنای ضرر نکات زیر قابل توجه است:

۱- نفس نقص، «ضرر» نیست بلکه ضرر عبارت است از هیئتی که پس از نقص ایجاد می‌شود^{۷۲} که در فارسی از آن به «کاهش» تعبیر می‌شود در مقابل نفع که عبارت است از تزاید مطلوب که در فارسی به آن «افزایش» گویند.

بنابراین سخن محقق اصفهانی^{۷۳} از این جهت که اولاً: ضرر را عین نقص دانسته و ثانیاً فرموده، تقابل بین ضرر - که مراد همان نقص است - و نفع نمی‌تواند تضاد باشد؛ زیرا نقص امری عدمی است، مورد خدشه است؛ زیرا همان طور که آیت الله سبحانی^{۷۴} بیان داشته‌اند و ما نیز آن را ذکر کردیم ضرر عبارت است از هیئت حاصله از نقص (حالت ایجاد شده پس از نقص) فلذا امری وجودی است.

۲- این که آیت الله سیستانی اصل را در باب معانی، عدم الإشتراک دانسته، تمامی معانی ضرر را به معنای واحد بازگردانده‌اند نیز صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا همان طور که مرحوم مظفر در باب حجیت ظواهر می‌فرمایند: «دلیلی بر اعتبار آن وجود ندارد»^{۷۵}

۳- اتفاق نظر اعلام بر اینکه ضرر در مورد هتک حرمت به کار نمی‌رود خلاف تحقیق به نظر می‌رسد زیرا از لغوین راغب^{۷۶} در مفرداتش و از میان علماء شیعه: مرحوم نائینی^{۷۷}، آخوند خراسانی^{۷۸}، محقق اصفهانی^{۷۹}، محقق بجنوردی^{۸۰}، سید مهدی موسوی کماری^{۸۱}، شهید صدر^{۸۲}، آیت الله سبحانی^{۸۳}، آیت الله سید محمدحسین فضل الله^{۸۴}، فاضل صفار^{۸۵} و از میان

سبحانی، جعفر، «نیل الوطر من قاعدة لا ضرر»، صص ۶۰-۵۹. در عبارت ایشان این متن موجود است: «به عبارت دیگر ضرر عبارت^{۷۲} است از نقص غیر مطلوب» که به خاطر تهافت ظاهری با صدر کلام از دیدگاه مختار حذف شده است.

- اصفهانی، محمدحسین، «نهایة الدراية في شرح الكفاية»، ج ۲، ص ۷۴۵.

- سبحانی، جعفر، «نیل الوطر من قاعدة لا ضرر»، صص ۶۰-۵۹.

- مظفر، محمد رضا، «اصول الفقه»، ص ۴۸۹.

- راغب، حسین بن محمد، «مفردات الفاظ القرآن»، ص ۲۹۳.

- نائینی، محمدحسین، «منية الطالب في شرح المكاسب»، ج ۳، ص ۳۷۸.

- خراسانی، محمدکاظم، «کفاية الأصول»، ج ۳، ص ۱۶۰.

- اصفهانی، محمدحسین، «نهایة الدراية في شرح الكفاية»، ج ۲، ص ۷۴۵.

- بجنوردی، میرزا حسن، «القواعد الفقهية»، ج ۱، صص ۱۷۸-۱۷۹.

- موسوی کماری، سید مهدی، «رسالة في قاعدة لا ضرر و لا ضرار»، ص ۴۴.

اهل سنت: سبکی،^{۸۶} دکتر عبدالله هلالی^۷ و دکتر سنهوری^{۸۷} قائل به این هستند که ضرر در هتک آبرو نیز به کار می‌رود. لذا با توجه به سخنان اهل لغت، و علمای فریقین می‌توان اطمینان پیدا کرد، ضرر در هتک آبرو نیز به کار رفته است. و اطمینان در باب لغت حجت است.

۴- آنچه آیت الله سیستانی به عنوان مبدأ خفی قائل شده‌اند و برخی از معانی الفاظ را به آن بازگردانده‌اند به نظر صحیح نمی‌آید زیرا امثله ای که آیت الله سیستانی برای اثبات نظریه خویش بیان فرموده اند و تنها راهکار توجیه آن را منحصر به پذیرش مبدا خفی میدانند را می‌توان به طریقی دیگر توضیح داد، به این صورت که تفاوت معانی در این امثله از باب تفاوت در قرائن حالیه یا ارتکازات عرفی می‌باشد. علاوه بر اینکه مبدا خفی نمی‌تواند ظهور ساز برای یک لفظ بوده لذا آن را حجت نمی‌دانیم.

۵- نظریه آیت الله سیستانی در باب معانی اصیل کلمات، که اساس و ریشه معانی را، امور محسوسه دانسته نیز، به نظر قابل تأمل می‌آید زیرا امور معنوی همانند امور محسوسه از ابتدای خلقت انسان با او همراه بوده و هیچ کدام بر دیگری تقدم ندارد.

۶- در ضرر، سوء قصد شرط نیست برخلاف ضرار که در آن سوء قصد شرط است.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. «الدر المنثور فی تفسیر المأثور»، جلال الدین سیوطی
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، «ثواب الأعمال و عقاب الأعمال».
۴. ابن فارس، احمد، «معجم مقاییس اللغة».
۵. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین، محمد بن مکرم، «لسان العرب».
۶. استرآبادی، رضی الدین، «شرح شافیه ابن حاجب».
۷. اصفهانی، شیخ الشریعة، فتح الله بن محمدجواد نمازی «احکام الصلاة».
۸. اصفهانی، شیخ الشریعة، فتح الله بن محمدجواد نمازی، «رسالة فی تحديد الکرب بالوزن».

- صدر، محمدباقر، «لا ضرر ولا ضرار»، ص ۱۳۸.

- سبحانی، جعفر، «نیل الوطر من قاعدة لا ضرر»، ص ۹۱.

- فضل الله، محمدحسین، «قاعدة لا ضرر ولا ضرار»، ص ۹۲.

- صفار، فاضل، «قاعدة لا ضرر»، ص ۱۰۲.

- سبکی، علی بن عبدالکافی، «الابهاج فی شرح منهاج الوصول»، ج ۳، ص ۱۶۶.

- هلالی، عبدالله، «قاعدة لا ضرر ولا ضرار»، ج ۱، ص ۴۳.

- سنهوری، عبدالرزاق، «الوسیط فی شرح القانون المدني»، ج ۱، ص ۹۷۱.

۹. اصفهانی، شیخ الشریعة، فتح الله بن محمدجواد نمازی، «صیانة الإبانة».
۱۰. اصفهانی، شیخ الشریعة، فتح الله بن محمدجواد نمازی، «احکام ملاقی الشبهات المحصورة».
۱۱. اصفهانی، شیخ الشریعة، فتح الله بن محمدجواد نمازی، «اضافة القدير في احكام العصور».
۱۲. اصفهانی، شیخ الشریعة، فتح الله بن محمدجواد نمازی، «رسالة في تحقيق معنى البيع».
۱۳. اصفهانی، شیخ الشریعة، فتح الله بن محمدجواد نمازی، «قاعدة لا ضرر».
۱۴. اصفهانی، شیخ الشریعة، فتح الله بن محمدجواد نمازی، «تخبة الأزهار في احكام الخيار».
۱۵. اصفهانی، محمدحسین، «نهاية الدراية في شرح الكفاية».
۱۶. بجنوردی، میرزا حسن، «القواعد الفقهية».
۱۷. جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد، «النهاية في غريب الحديث و الأثر».
۱۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، «الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)».
۱۹. خراسانی، محمد کاظم، «کفاية الأصول».
۲۰. راغب، حسین بن محمد، «مفردات الفاظ القرآن».
۲۱. سبحانی، جعفر، «نیل الوتر من قاعدة لا ضرر».
۲۲. سبکی، علی بن عبدالکافی، «الابهاج في شرح منهاج الوصول».
۲۳. سنهوری، عبدالرزاق، «الوسيط في شرح القانون المدني».
۲۴. سیستانی، سید علی حسینی، «قاعدة لا ضرر و لا ضرار».
۲۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، «الدر النثیر».
۲۶. صدر، محمدباقر، «لا ضرر و لا ضرار».
۲۷. صفار، فاضل، «قاعدة لا ضرر».
۲۸. طریحی، فخرالدین، «مجمع البحرين».
۲۹. فضل الله، محمدحسین، «قاعدة لا ضرر و لا ضرار».
۳۰. الفیومی، احمد بن محمد، «المصباح المنیر».
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، ج ۵، ص ۲۹۳.
۳۲. مظفر، محمدرضا، «اصول الفقه»، ص ۴۸۹.
۳۳. الموسوی الخمينی، سید روح الله، «القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد» (الرسائل)،
۳۴. الموسوی الخمينی، سید روح الله، «بدايع الدرر في قاعده نفی الضرر».
۳۵. الموسوی الخمينی، سید روح الله، «تهذيب الأصول».
۳۶. موسوی کماري، سید مهدی، «رسالة في قاعدة لا ضرر و لا ضرار».
۳۷. نائینی، محمدحسین، «منية الطالب في شرح المكاسب».
۳۸. هلالی، عبدالله، «قاعدة لا ضرر و لا ضرار».
۳۹. واسطی، زبیدی، محب الدین، «تاج العروس من جواهر القاموس».
۴۰. الیسوعی، فردینال توتل، «المنجد في اللغة و الأعلام».